

تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر ارتباط بین رشد داراییها و بازده سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

افسانه جوادی^۱

ا کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی علامه فیض کاشانی، afjavadi@yahoo.com

چکیده:

گزارشگری مالی یک ابزار مهم در برقراری ارتباط بین اطلاعات مالی و افراد برون سازمانی است. با توجه به وجود عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیریت و استفاده کنندگان خارجی، قابلیت مقایسه صورتهای مالی می تواند کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده توسط مدیریت و سرمایه گذاران را درباره ارزش اوراق بهادار مورد معامله، افزایش دهد. بنابراین هدف این مطالعه بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر ارتباط بین رشد دارائیها و اقلام تعهدی اختیاری با بازده سهام می باشد. برای این منظور، داده های مورد نیاز این تحقیق از ۱۰۳ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ جمع آوری گردیده است. روش آماری مورد استفاده جهت آزمون فرضیه ها، رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده های پنلی می باشد. تحقیق حاضر شامل سه فرضیه می باشد که نتایج حاصل از فرضیه اول تحقیق نشان می دهد که قابلیت مقایسه صورتهای مالی تأثیر مستقیم و معناداری بر بازده سهام دارد، همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم تحقیق نشان می دهد که قابلیت مقایسه صورتهای مالی تأثیر مستقیم و معناداری بر ارتباط بین رشد دارائیها با بازده سهام دارد. واژگان کلیدی: قابلیت مقایسه صورتهای مالی، بازده سهام، رشد دارائیها،

۱- مقدمه:

سهامداران، کارکنان، جامعه، شهرت مدیران و امنیت شغلی آنان به همراه داشته باشد، مدیریت سود به عنوان فرآیند برداشتن گام های آگاهانه در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری برای رساندن سود گزارش شده به سطح سود مورد نظر تعریف گردیده است، عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح سود هدف از طریق دست کاری حسابداری انجام پذیر می باشد (ملانظری و کریمی زند، ۱۳۸۶). صورتهای مالی از نظر قرار گرفتن در چارچوب استانداردهای حسابداری مشکلی نداشته و حسابرسان از این منظر نمی توانند بر صورتهای مالی اشکال بگیرند ولی با توجه به اینکه سود از جمله مهم ترین عوامل مؤثر بر تصمیم گیری هاست، لذا، آگاهی استفاده کنندگان از قابلیت اتکای رقم سود این امکان را ایجاد می کند تا آنها را در انتخاب تصمیمات بهتر یاری نماید

شناسایی مدیریت سود برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی جهت ارزیابی عملکرد دوره جاری، پیش بینی سودآوری آتی و همچنین تعیین ارزش شرکت از دارای اهمیت بسزایی می باشد. با این وجود، اغلب شناسایی و تشخیص مدیریت سود به ویژه در مواردی که این مقوله با انگیزه های آشکاری به انجام نرسیده باشد، مشکل و زمان بر خواهد بود و تحقیقات دانشگاهی معیارهای مختلفی را جهت شناسایی مدیریت سود استفاده نمودند (جانسن و همکاران^۱، ۲۰۱۲)، زهرا و همکاران^۲ (۲۰۰۵) بر این عقیده هستند که اعمال اختیاری مدیران از طریق مدیریت سود می تواند زمینه را برای پنهان کردن ارزش واقعی داراییها و وضعیت مالی شرکت فراهم نماید، و عواقب منفی برای ذینفعان به خصوص

¹ Jansen et all

² Zahra et all